

تا به سر چشمه نور

کامران پارسایی

kamran.parssai@googlemail.com

وقتی تنها شبدری زیر پا له می شود
وقتی ناله های شبانه پرستویی سکوت شبانگاهیت را می شکند
تو اشک را به عمق کا سهء چشمت می بری

تو به نوری دلخوش بودی
حتی اگر از آن کرم شب تابی باشد
تو در خواب می دیدی
که
که چگونه جنگلی از نوری کوچک روشن می شود
و می دویدی
می دویدی تا ته اعماق خودت
تا به دریا
تا به سرچشمه نور
ناگهان خودت را دیدی.....یکه و تنها
اشک را پنهان کردی و خندیدی

تو ، تو تنها به نوری دلخوش بودی
حتی اگر از آن کرم شب تابی باشد.

کلن بهمن ۱۳۸۸